

## **Cognitive Investigation of Conceptual Domains of Metaphors of Time Nouns in the Holy Quran**

**Razieh Nazari<sup>1</sup>, Seyed Mohamad Mousavi Bafrooei<sup>2</sup>**

Department of jurisprudence and law, Theology faculty and Islamic studies,  
meybod university, meybod, Iran

Theology faculty and Islamic studies, Quran and hadith Department,  
meybod university, meybod, Iran

### **Abstract**

Conceptual metaphors have their roots in cognitive linguistics. Their function is marking abstract concepts and their hidden meaning using building elements. Time is amongst the frequent, abstract concepts in the Holy Quran. In fact, the concepts of the holy book correspond to its ideational structure. So, investigating the way time is reflected in terms of the guidance of man, which is the purpose of the book, would be significant. The research is a descriptive-analytical one using library resources to explicit conceptual metaphors of time nouns. It was found that time can be categorized into four macro metaphorical models with themes of hereafter, pointing the exact time of praying, and taking lesson from lapse of time. The macro metaphor models framed based on place and movement were the most frequent ones. It is worth mentioning that space, things, departure, movement, and live being as source domains were considered as the target domain. In this metaphorical conceptualization, such elements of spaces were used as directionality characteristics, farness, nearness, the in or out space, and wideness, as well as mobility, and live beings' characteristics or human moods such as rebellion, fear, etc.

**Keywords:** Holy Quran, Cognitive Linguistics, Time Nouns, Metaphorical Utilization.

## بررسی شناختی استعاره‌های حوزه مفهومی اسماء زمان در قرآن کریم

راضیه نظری<sup>۱\*</sup>، سید محمد موسوی بفرئی<sup>۲</sup>

- ۱- استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه میبد، میبد، ایران  
r.nazari@meybod.ac.ir
- ۲- دانشیار گروه قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه میبد، میبد، ایران  
mohamad\_smm@yahoo.com

### چکیده

استعاره‌های مفهومی در زبان‌شناسی شناختی ریشه دارند. کارکرد این نوع استعاره‌ها، برجسته‌سازی مفاهیم انتزاعی و معانی پنهان آنها با استفاده از شگرد مؤلفه‌سازی است. زمان از جمله مفاهیم انتزاعی پرکاربرد در قرآن کریم است. این جستار از رهگذر روش توصیفی تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای به رشته تحریر درآمده و در گردآوری داده‌ها از روش MIP سود جسته شده است. این پژوهش در نظر دارد انواع استعاره‌های مفهومی اسماء زمان را در قرآن، مشخص و محورهای معنایی به‌کارگیری آنها را تبیین کند. نتیجه جستار حاضر به این امر اشاره دارد که در ساختار استعاره‌های مفهومی اسامی زمان از جسم انسان، ارزش‌های او و محیط زندگی‌اش به‌منزله حوزه‌های مبدأ استفاده شده و همچنین براساس عمومیت، پنج الگوی استعاری شکل گرفته است که در میان آنها، حوزه‌های مکان و حرکت، بیشترین بسامد استعاری را دارند. این استعاره‌ها محورهای معنایی چون هدفمندبودن خلقت، ارزشمندی و نظم آن را برجسته ساخته‌اند.

### واژه‌های کلیدی

قرآن کریم، زبان‌شناسی شناختی، اسماء زمان، بهره‌برداری استعاری.

## ۱. طرح مسئله

زبان‌شناسی شناختی<sup>۱</sup> در نیمه نخست قرن بیستم و در اثر تلاش‌های فلاسفه تجربه‌گرا به وجود آمد (الترکی، ۲۰۱۱م، ص ۱۲۴). این زبان‌شناسی از تأثیر روان‌شناسی گشتالت<sup>۲</sup> بوده و بر این باور استوار است که انسان حقایق را نه به صورت مستقیم، بلکه به شکل مجموعه‌های کلی و با واسطه درک می‌کند. «آنها معتقدند مسئله شناخت از رهگذر تجربه درونی روی می‌دهد؛ تجربه‌ای که پیونددهنده احساسات و اندیشه‌ها است» (الکردی، ۱۹۹۲م، ص ۵۲۸).

استعاره<sup>۳</sup> از جمله مفاهیمی است که در زبان‌شناسی شناختی شایان توجه قرار گرفته است. از نظر شناخت‌گرایان، بشر به صورت استعاری، دنیای خود را تجربه می‌کند و می‌شناسد. در واقع، ذهن او با نگاشت ماده (به عنوان یک کل منسجم) بر مفاهیم انتزاعی، قادر است آنها را درک کند.

درخور ذکر است این درک، نه به صورت تصادفی، به وسیله مؤلفه‌سازی<sup>۴</sup> صورت می‌گیرد. در این فرایند، «ذهن بشر، مجموعه‌ای از اشیاء را که با یکدیگر مشابهت دارند، در دسته‌هایی معین تقسیم و سپس مفاهیم انتزاعی را براساس انواع موجود در این دسته‌ها درک می‌کند» (البوعمرانی، ۲۰۰۹م، ص ۱۳)؛ البته در فراگرد درک مفاهیم انتزاعی نباید نقش خیال را نادیده گرفت؛ چه آنکه خیال سبب می‌شود ذهن از واقعیت فراتر برود و بتواند معانی پنهان را تجسم و درک کند. بدیهی است هرچه مفاهیم انتزاعی، پیچیده‌تر باشند، فهم استعاره‌های ساخته‌شده، نیازمند تلاش بیشتری خواهد بود.

زمان یکی از مفاهیم انتزاعی مبهم است که بشر از دیرباز برای معرفی آن از طبیعت، جامعه و حتی از

خویشتن خویش بهره برده است. به همین دلیل، گاه آن را با مکان، رفتار و ارزش‌های زندگی‌اش برجسته ساخته و گاهی نیز برای آن میزان و کمیت در نظر گرفته است.

در کتاب آسمانی قرآن که به زبان بشر خلق شده، مفهوم زمان با اشکالی متنوع و براساس ساختار ذهن انسان، بازنمود شده است.

این جستار در پی آن است که استعاره‌های مفهومی اسامی زمان را مشخص و سپس تبیین کند آنها در چه محورهایی به کار رفته‌اند. همچنین، انتظار می‌رود در پژوهش حاضر به پرسش‌های زیر پاسخ داده شود:

- ۱- کلان‌الگوهای استعاری مبتنی بر اسامی زمان کدام‌اند؟
- ۲- از چه واژگانی در حوزه‌های مبدأ در مفهوم‌سازی استعاری استفاده شده است؟
- ۳- کدام یک از استعاره‌ها دارای بیشترین بسامد است؟

### ۱-۱. پیشینه پژوهش:

تا به حال پژوهش‌های متنوعی درباره استعاره‌های شناختی قرآن صورت گرفته‌اند؛ مانند: «بررسی زبان‌شناختی استعاره‌های جهتی بالا/پایین در زبان قرآن، رویکرد معنی‌شناسی شناختی» از شیرین پورابراهیم و همکاران (۱۳۸۸ش). در این اثر، حوزه‌های مبدأ از جهات مکانی بالا / پایین در ارتباط با مفاهیم انتزاعی قدرت / ضعف، بیشتر / کمتر و بهتر / بدتر تحلیل شده‌اند. در مقاله «استعاره‌های مفهومی در قرآن از منظر زبان‌شناسی شناختی» از حسین هوشنگی و همکار (۱۳۸۸ش)، مفاهیم متنوعی براساس حوزه‌های مبدأ جاندار، ابزار، ماشین و غیره تحلیل

شده‌اند.

نظریه‌های شناختی و کاربردشناسی تحلیل کند. همان‌طور که ملاحظه شد در این آثار، نویسندگان مفاهیم متنوع انتزاعی در قرآن را تحلیل شناختی کرده‌اند؛ اما تا به حال، به‌طور مستقلانه پژوهش شناختی درباره اسماء زمان صورت نگرفته است.

هدف از نزول قرآن کریم هدایت بشر بوده است؛ بنابراین، در این چارچوب، آواها، واژه‌ها و ترکیب‌ها تحلیل پذیر بوده و در همین راستا، بررسی شناختی اسامی زمان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

## ۲-۱. روش پژوهش:

مقاله حاضر با روش توصیفی تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای به رشته تحریر درآمده است. پیکره مطالعه شده، کتاب قرآن کریم بوده و در گردآوری داده‌ها از روش MIP استفاده شده است؛ به این ترتیب که ابتدا متن مطالعه شد، واحدهای زبانی مدنظر شناسایی شدند، معانی اولیه و بافتی واحدها معین شدند، حوزه‌های مبدأ، مشخص و تقسیم‌بندی و در پایان، استعاره‌ها در چارچوب نظریه استعاره‌های مفهومی تحلیل شدند.

## ۲-۲. مبانی نظری پژوهش:

استعاره مفهومی<sup>۵</sup> عبارت است از فهم یک حوزه تصویری به وسیله یک حوزه تصویری دیگر (الترکی، ۲۰۱۱، ص ۱۲۶). باید توجه داشت تجسم از ارکان اصلی استعاره مفهومی به‌شمار می‌رود؛ از این رو شناخت تجسم‌یافته، متأثر از طبیعت مادی است و این شیء‌شدگی به وسیله زبان بیان می‌شود (بن‌دحمان، ۲۰۱۵، ص ۵۸).

لیکاف<sup>۶</sup> و جانسون<sup>۷</sup> ویژگی‌هایی را برای استعاره

همچنین در پژوهش «بررسی معنی‌شناختی مکان‌شدگی مفاهیم انتزاعی در زبان قرآن» از شیرین پوابراهیم، (۱۳۹۳ش) بررسی موضوع مکان‌شدگی مفاهیم انتزاعی در دستور کار قرار گرفته است.

مقاله «بررسی استعاره‌های مفهومی هستی‌شناختی در سوره واقعه» از حیدرعلی امینی (۱۳۹۴ش)، مسائلی را چون معاد، پاداش و عقوبت هدف پژوهش قرار داده است.

مرتضی قائمی و همکار در مقاله «بررسی استعاره‌های شناختی در حوزه زندگی دنیوی و اخروی در زبان قرآن در استعاره مقصود مقصد است» (۱۳۹۵ش)، موضوع دستاوردهای انسان را در قالب استعاره عام «مقصود مقصد است». بررسی کرده‌اند؛ با این توضیح که دستاوردهای بشری در حکم رسیدن به مقصدند.

نیز در مقاله «مفهوم‌سازی کلام الهی در قرآن براساس ارتباط‌شناسی و استعاره مفهومی» از علی‌رضا قائمی‌نیا و همکاران (۱۳۹۵ش)، مسئله نوع رابطه انسان با خداوند از دیدگاه نظریه استعاره‌های مفهومی تبیین شده است.

و سرانجام در اثر «تحلیل شناختی استعاره‌های مفهومی حرکت در قرآن کریم» از حجازی و همکاران (۱۳۹۷ش)، سعی شده است نقش تعدادی از افعال حرکتی به‌عنوان حوزه‌های مبدأ در ارتباط با حوزه‌های مقصد وحی، نبوت و غیره تحلیل شود.

در بخش آثار غیرفارسی نیز کتاب *الإشهار القرآنی والمعنی العرفانی فی ضوء النظریة العرفانیة* (۲۰۱۵م) از عطیه سلیمان أحمد وجود دارد که نویسنده اثر سعی کرده است مفاهیم موجود در قرآن را با استفاده از

ناهمواری است که دسترسی به مقصد را سهل می‌کند. با کاربست این واژه به‌عنوان حوزه مبدأ، ویژگی‌های یادشده بر مفهوم هدایت، نگاشت و برجسته شده است.

۲-۲. استعاره ساختاری یا وضعی<sup>۱۲</sup>: در این نوع استعاره، ساختار فرهنگ نقش بی‌همتا دارد. به سخنی دیگر، «در این نوع استعاره‌ها، فرهنگ و تجربیات جامعه با یکدیگر پیوندی عمیق دارند» (سلیمان احمد، ۲۰۱۴م، ص ۱۱۶)؛ برای نمونه، در قرآن واژه «تجارت» و کلمات مرتبط با حوزه معنایی آن به‌صورت گسترده استفاده شده‌اند:

(أولئك الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالَةَ بِالْهَدْيِ فَمَا رِبْحُ تِجَارَتِهِمْ) (بقره: ۱۶)؛ (إِنَّ الَّذِينَ اشْتَرُوا الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ لَنْ يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئاً) (آل عمران: ۱۷۷)؛ (اشْتَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمناً قَلِيلاً) (توبه: ۹). در این آیات مفاهیم دوگانه هدایت / گمراهی، پاداش / عذاب، در حوزه مقصد، با واژه‌های تجارت، فروش، سود، زیان و کم ارزش بودن، مفهوم‌سازی شده‌اند. این امر نشان‌دهنده آن است که در جامعه بشری شبه‌جزیره عربستان، پیش از ظهور اسلام، تجارت، فرهنگ غالب و چیره جامعه بوده است.

۲-۳. استعاره‌های جهت‌ی<sup>۱۳</sup>: این استعاره‌ها بر جهات چهارگانه دلالت می‌کنند (الترکی، ۲۰۱۱م، ص ۱۴۲).

درخور توجه است در جریان مفهوم‌سازی استعاری، نگاشت‌ها از حوزه مبدأ به هدف جزئی‌اند؛ یعنی فقط بخشی از حوزه مبدأ در هر استعاره مفهومی به کار می‌رود و یک یا چند جنبه محدود حوزه هدف برجسته می‌شوند. این امر «بهره‌برداری استعاری جزئی» نام دارد (کوچش، ۱۳۹۶ش، ص ۱۷۰).

برشمرده‌اند: ۱- استعاره، ویژگی تصورات است، نه کلمات؛ ۲- کارکرد استعاره، فهم بهتر تصورات است و تنها برای درک اغراض هنری یا زیبایی‌شناسی به کار نمی‌رود؛ ۳- استعاره در غالب اوقات بر مبنای مشابهت نیست؛ ۴- عامه مردم، در زندگیشان، بارها از استعاره استفاده کرده‌اند و کاربرد آن تنها مختص و منحصر به هنرمندان نبوده است؛ ۵- این شگرد، افزون بر کاربرد زیبایی‌شناسی، کنش ذهنی به شمار می‌آید (بن‌دحمان، ۲۰۱۵م، ص ۶۱).

در تحلیل استعاره‌های شناختی اصطلاحات حوزه مبدأ<sup>۱۴</sup>، مقصد<sup>۱۵</sup> و نگاشت<sup>۱۶</sup> کاربرد دارند. در توضیح این اصطلاحات باید گفت «حوزه مبدأ عبارت است از مجموعه‌ای که دارای مفهوم عینی‌تر و متعارف‌تر است و حوزه مقصد به مجموعه‌ای اطلاق می‌شود که دارای مفاهیم انتزاعی‌تر باشد (هاشمی، ۱۳۸۹ش، ص ۱۲۵). نگاشت نیز بر تناظرهای نظام‌مندی دلالت می‌کند که میان حوزه‌های مفهومی وجود دارند (هاشمی، ۱۳۸۹ش، ص ۱۲۵).

همچنین، زبان‌شناسان شناختگر استعاره‌های مفهومی را به سه بخش هستی‌شناختی، وضعی و جهت‌ی تقسیم کرده‌اند.

۲-۱. استعاره‌های هستی‌شناختی<sup>۱۱</sup>: این استعاره، مبتنی بر طبیعت بوده و حاصل تجربیات بشر و تعامل او با جهان ماده است. آنها همواره در ساختار ذهن بشر حضور داشته‌اند و وجودشان اهمیت بالایی دارد؛ زیرا در ارزیابی تحلیل عقلانی تجربیات نقش بسزایی دارند (لایکوف و جونسون، ۱۹۹۶م، ص ۴۸)؛ برای مثال، در قرآن کریم از مفهوم هدایت به‌منزله راه مستقیم یاد شده است (إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ) (حمد: ۶). توضیح آنکه راه مستقیم مسیری واضح و عاری از

و بعد می‌دانست. او در معرفی زمان، گامی دیگر پیش نهاد و ادعا کرد زمان، اندازه حرکت داده شده که با مشخص کردن واحد حرکت، به جهت مقایسه عددمند شده است (موسوی کریمی، ۱۳۷۹ش، ص ۱۰)؛ اما کانت<sup>۱۷</sup> باور دیگری داشت؛ در نگاه او زمان چیزی خارج از چارچوب ذهن نبوده و فرمی است که از سوی ذهن به اشیاء القاء می‌شود (موسوی کریمی، ۱۳۷۹ش، ص ۲۳).

فلاسفه اسلامی نیز تقریباً همگی بر این باور اتفاق نظر داشته‌اند که زمان، نوعی مقدار و کمیت متصل است که ویژگی آن ناپایداری است و به واسطه حرکت بر اجسام عارض می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۹۰ش، ج ۲، ص ۱۸۱).

صدرالمتألهین نیز زمان را بُعد و امتدادی گذرا معرفی کرده که هر موجود جسمانی، افزون بر ابعاد مکانی ناگذرا (طول، عرض و ضخامت) دارا است (مصباح یزدی، ۱۳۹۰ش، ج ۲، ص ۱۸۶).

باری، گستردگی این مفهوم سبب شد هر یک از اندیشمندان دیگر حوزه‌ها نیز متناسب با زاویه نگاه خود تعاریفی از آن ارائه دهند. به همین دلیل برای زمان اقسام و انواعی در نظر گرفته شده است:

۱-۴-۲. زمان اجتماعی: این زمان نظام‌مند است و در نتیجه حرکت ستارگان حاصل می‌شود؛

۲-۴-۲. زمان فلسفی: این قسم، وجود خارجی ندارد، بلکه از نوع دیدگاه فلاسفه نشأت می‌گیرد؛

۳-۴-۲. زمان درونی: این مقوله بیان‌کننده حالات روانی انسان و احساسش نسبت به زمان است؛

۴-۴-۲. زمان مبتنی بر زبان: این نوع در دانش‌های ساخت‌واژه و دستور زبان کاربرد دارد؛ برای مثال، گذشته/حال/آینده زمان دستوری‌اند (عبدالملک،

نکته دیگر آنکه در متن ممکن است از استعاره‌های فراوانی استفاده شود. «ابن فراوانی در موضوعاتی معین، مفهوم «کلان استعاره»<sup>۱۴</sup> را شکل می‌دهد که در توضیح آن باید گفت: برخی استعاره‌ها در تمام متن جاری‌اند، بدون آنکه لزوماً به سطح متن بیایند. آنچه گاهی در یک متن ادبی دیده می‌شود، «ریزاستعاره‌های»<sup>۱۵</sup> خاص در سطح متن‌اند. در پس و سطح زیرین این ریزاستعاره‌ها، استعاره بسط‌یافته وجود دارد که موجب انسجام آنها می‌شود (کوچش، ۱۳۹۶ش، ص ۹۹).

زمان یکی از مفاهیم بنیادین بوده که استعاره در برجسته‌سازی آن نقش بسزایی داشته است.

#### ۲-۴. تعریف زمان:

زمان، مفهومی انتزاعی است که از دیرباز تعاریف متعددی داشته است. اهل زبان از آن به اسم وقت یاد کرده‌اند که می‌تواند زیاد یا کم باشد (جوهری، ۱۳۷۶ق، ج ۴، ص ۱۷۱۸).

حقیقت آن است که زمان با مفاهیم متافیزیکی، طبیعت و روان انسان پیوندی عمیق دارد؛ بنابراین، نمی‌توان تعریفی جامع و کامل درباره آن ارائه داد. این امر نشان می‌دهد پژوهشگر موضوع زمان، به‌هنگام تحقیق، خود را نه یک مورخ، تحلیل‌گری می‌یابد که باید موضوعاتی چون حرکت، پیوند زمان با هستی و خودآگاهی و نیز مسائلی دیگر را که با موضوعات دینی، فلسفی و علمی پیوند دارند، در حوزه پژوهش خود بررسی کند.

در فلسفه غرب، ویژگی‌های زمان نزد بیشتر فلاسفه نسبی‌بودن، ترتیبی‌بودن، ثابت و متغیر بودن است. ارسطو<sup>۱۶</sup> زمان را تعداد حرکت‌ها با توجه به قبل

۱۹۷۲م، ص ۱۶۸).

سحر، سنه، ساعه، شتاء، إشراق، شهر، صبح، صباح، إصباح، صریم، صیف، ضحی، أطوار، ظهیر، عام، عده، عشاء، عشی، عشیه، عصر، عمر، غد، غدو، غداه، غسق، فجر، فلق، قروء، کلما، کم، لئا، لیل، متی، مده، معاد، معاش، نهار، موعد، میعاد، وقت، میقات، یوم.

در این میان، اسم‌های أجل، أمه، حین، ساعه، شهر، صبح، عمر، لیل، نهار و یوم در ۲۴ سوره از قرآن به برجسته‌ترین صورت، مفهوم‌سازی استعاری شده‌اند که با تکیه بر حوزه‌های مبدأ، تقسیم‌بندی و تحلیل شده‌اند.

در این پژوهش با توجه به نوع واژگان حوزه مبدأ کلان‌الگوهای استعاری، به پنج نوع تقسیم می‌شوند که عبارت‌اند از: ۱- زمان مکان است؛ ۲- زمان جسم است؛ ۳- زمان سرمایه است؛ ۴- زمان دارای حرکت است و ۵- زمان جاندار است.

۳-۱. زمان مکان است: اصلی‌ترین ویژگی مکان جهت‌ها هستند. «ویژگی‌های جهتی به مجموعه‌ای اطلاق می‌شوند که تعیین‌کننده ساختار اشیاء، موقعیت‌ها و ارتباط موازی میان آن دو براساس ملاحظاتی چون محدودیت، فضای داخلی و سوبه‌ها است» (غالیم، ۲۰۰۷م، ص ۳۸). بدیهی است آنچه در زبان عربی بر مکان دلالت می‌کند، اعم از حروف جر، اسامی و افعال، در قرآن نیز جهت مکان‌شدگی زمان، بهره‌برداری استعاری شده‌اند:

(وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَزُلْفًا مِّنَ اللَّيْلِ) (هود: ۱۱۴).

یکی از ویژگی‌های مکان، طول، عرض، ابتدا و انتها است. در آیه بالا کلمه «طرفی» نشان می‌دهد زمان به‌منابۀ خط افقی در نظر گرفته شده و دارای ابتدا و انتها است؛ بنابراین، اوقات دقیق نمازهای روزانه در

به هر حال، اهمیت مقوله زمان به حدی است که می‌توان آن را ابزار درک هستی دانست و به همین دلیل گفتمان دینی که بر پایه تبیین آفرینش شکل گرفته، از این مقوله بسیار سود جسته است.

در نگاه دینی، زمان دربرگیرنده باورهای دوگانه وجود / عدم، ثبات / حرکت، روح / جسم، محدود / بی‌نهایت، وحدت / کثرت، حضور / غیاب و ایمان / الحاد است (شاهین، ۱۹۸۰م، ص ۵). همه این دوگانگی‌ها به‌خودی‌خود سبب سردرگمی انسان می‌شوند. در این حالت دین در کسوت پاسخگو به معمای مبهم زمان نقش آفرینی می‌کند. «انسان همواره به احساس امنیت نیاز داشته و می‌دانسته است هیچ‌گاه بر گذشته و حال چیرگی نخواهد داشت؛ از این رو دین با تأکید بر اصل جاودانگی به او احساس امنیت بخشیده است. کارکرد دیگر دین آن است که همواره زمان اکنون طبیعی را در گذشته و آینده ترکیب کرده است» (ولسون، ۱۹۹۲م، ص ۱۲). پرواضح است که هدف از این ترکیب، اشاره به وحدت وجود و هدایت بشر به سوی خالق هستی و جهان آخرت است.

از میان کتاب‌های مقدس، قرآن، برجسته‌ترین کتاب آسمانی که به زبان بشر و از وجودی فراتر از بشر خلق شده است می‌تواند بهترین نمونه در تحلیل مفهوم زمان باشد که در ادامه بررسی شده است.

### ۳- تحلیل استعاره‌های شناختی اسماء زمان:

در قرآن کریم، مشخصاً ۶۵ واژه اسم زمان به‌کار رفته است که عبارت‌اند از: أبد، أجل، إذ، إذا، أصیل، آمد، أمس، أمه، آنفاً، آن، آناء، بیان، بضع، إیکار، بکره، تاره، الجمعه، أحقاباً، الحول، حین، دهر، زلفه، سبت،

تداعی شود.

گاهی در قرآن مکان‌شدگی زمان با مفهوم تقدس‌گرایی همراه است. توضیح آنکه بشر همواره به دنبال زندگی در فضایی بوده است که همه چیز را در آن به شکلی ایدئال درک کند. انسان با استفاده از این ویژگی همه مرزهای مادی را در چارچوب ذهنش از میان برده و آرمان‌شهر را ساخته است. در قرآن، از این باور در برجسته‌سازی زمان استفاده شده است:

**شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ** (بقره: ۱۸۵).

در آیه بالا فضا بر زمان (ماه رمضان) و فعل «انزل» بر مفهوم وحی‌شدن نگاشت شده است. کاربست استعاری این فعل، در ارتباط با کلمه «شهر» نشان می‌دهد فضای بحث‌شده سرباز است و مفاهیم الهی از جهت بالا به سمت پایین منتقل شده‌اند. جهت حرکت نزول دربرگیرنده مفاهیم ثبات و استقرار بوده و بدیهی است این ثبات در چارچوب ذهن بشر رخ می‌دهد. باید افزود به سبب اینکه آیات قرآن سرچشمه الهی دارند، این امر سبب مقدس و مهم شدن فضای نزول یعنی شهر رمضان شده است.

همچنین در زبان قرآن، شب می‌تواند محل آرامش باشد: **لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ** (غافر: ۶۱) در این آیه، استعاره شب خانه است، وجود دارد. توضیح آنکه خانه محل ایجاد آرامش بوده است که می‌توان پس از تحمل روزی سراسر تلاش و تکاپو بار رنج و خستگی را در آنجا فروهشت. این ویژگی‌های خانه بر مفهوم زمان شب نگاشت شده است. همچنین، واژه «جعل» به معنی آفرینش است (قرطبی، ۱۳۶۴ش، ج ۲، ص ۶۰)؛ بنابراین، شب به شکل محل و فضایی خلق و آفریده شده است که با واردشدن به درون این فضا آرامش و آسودگی خاطر حاصل می‌شود.

ابتدا و انتهای یک خط مفهوم‌سازی استعاری شده‌اند. در تبیین مفهوم زمان از فضا و عمق نیز سود جسته شده است: **يَوْمَ لَا مَرَدٌ لَهُ مِنَ اللَّهِ** (روم، ۴۳) و **(أَقِمِ الصَّلَاةَ لَدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ)** (اسراء: ۷۸).

در آیه ۴۲ سوره روم، زمان (قیامت) به مثابه فضایی بسته مفهوم‌سازی شده است؛ بنابراین نمی‌توان از چنین فضایی گریزگاهی به جهان بیرون یافت. بر همین اساس در قیامت نیز نمی‌توان مسئولیت رفتار و گفتار خود را کتمان یا تکذیب کرد. در این مثال، فضای بسته بر زمان الزام به پاسخگویی در برابر حقوق و مسئولیت‌های دنیوی نگاشت شده است.

موضوع آیه ۷۸ سوره اسراء نیز درباره تعیین وقت نماز است. زمان شب، فضایی است که ابتدا، وسط، عمق و نهایی داشته و این عمق به وسیله واژه «غسق» برجسته شده است. شایان ذکر است اهل زبان، غسق‌اللیل را ظلمت شب معنی کرده‌اند (زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۲۰۳). به همین دلیل مقصود از ظلمت شب، اواسط زمان شب است.

یکی دیگر از نام‌های روز قیامت یوم‌الجمع است: **(وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَى وَمَنْ حَوْلَهَا وَتُنذِرَ يَوْمَ الْجُمُعِ لَا رَيْبَ فِيهِ)** (الشوری: ۷).

در نگاشت استعاری آیه بالا یک فضای کلی بر مفهوم زمان نگاشت شده است. وقتی همه اجزا و عناصر در یک فضا جمع شوند، آن مکان پر می‌شود و هیچ جای خالی یا روزنه‌ای باقی نمی‌ماند. با این توضیح می‌توان گفت: به سبب اینکه در روز قیامت همه موجودات در محضر خداوند حاضر می‌شوند، این نگاشت استعاری صورت گرفته است تا به این وسیله فضایی آکنده از جمعیت در ذهن مخاطب



در قرآن مسئله مهلت و تأخیر نیز با مکان‌شدگی اسم زمان، برجسته شده است: (وَقَالَ الَّذِي نَجَا مِنْهُمْ مَا وَادَّكَرَ بَعْدَ أُمَّةٍ أَنَا أُنَبِّئُكُمْ بِتَأْوِيلِهِ فَأَرْسِلُونِ) (یوسف: ۶۵) آیه یادشده نشان می‌دهد زمان به‌مثابه مکانی مفهوم‌سازی استعاری شده است که دارای ابعاد و پس و پیش است.

در مواردی نیز زمان به‌مثابه یک مکان مسطح در نظر گرفته شده است: (وَدَخَلَ الْمَدِينَةَ عَلَى حِينٍ غَفْلَةٍ مِنْ أَهْلِهَا) (قصص: ۱۵). توضیح آنکه کلمه «حین» در قالب سطحی از مکان در نظر گرفته شده است که غفلت بر آن روی می‌دهد. برای توضیح چرایی این امر، تأکید می‌شود موضوع آیه درباره بازگشت مخفیانه حضرت موسی(ع) به شهر منف، مقر فرعون است. در آیه اسم زمان «حین» با حرف جر علی که دربردارنده مفهوم استعلاء است، سطحی از مکان تصویرسازی شده است تا به این شیوه مخفیانه‌بودن بازگشت و عمق بی‌اطلاعی فرعونیان نشان داده شود.

گاهی اهمیت وقوع یک حادثه، زمینه را فراهم می‌کند تا گوینده برای تأکید آن از ویژگی‌های مرتبط با مکان، مانند دوری و نزدیکی استفاده کند: (يَسْأَلُكَ النَّاسُ عَنِ السَّاعَةِ قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ تَكُونُ قَرِيبًا) (احزاب: ۶۳).

در آیه بالا برای توصیف وقوع روز قیامت از واژه قریباً بهره‌برداری شده است که نشان‌دهنده سریع‌الوقوع بودن آن زمان معهود است؛ البته باید توجه داشت این استعاره برای برانگیختن احساسات بشر ساخته شده است. برخی صاحب‌نظران دوری و نزدیکی را با امیال و رغبت و بیزاری مرتبط دانسته و معتقدند «دوگانگی دوری و نزدیکی نقش مهمی در ساختار تجسم زمان دارد؛ از این رو فاصله میان موضوع و مشاهده‌گر نشان

می‌دهد هر یک از احساسات درونی رغبت و بیزاری به‌وسیله فاصله‌های مکانی نزدیک و دور تعریف می‌شوند (العامری، ۲۰۱۶م، ص ۱۱۹).

درخور توجه است در استعاره آیه حاضر، کلمه قرب، تنها نشان‌دهنده میل و رغبت نیست. درواقع به سبب اینکه مردم اعم از نیکوکار یا گناهکار پرسشگر بودند، می‌توان گفت کلمه قرب به نسبت نیکوکاران مایه امید و رغبت و نسبت به گناهکاران دربردارنده مفاهیم هشدار و تذکر است. افزون بر این، در روز قیامت، مسئله مسافت، نسبت به گناهکاران تعریف خاصی دارد: (يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مِمَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُخَضَّرًا وَمِمَّا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا) (آل‌عمران: ۳۰).

موضوع آیه یادشده با مسئله حسابرسی و مجازات در روز قیامت پیوند دارد. احساس انزجار از تمثیل و تجسیم اعمال ناپسند در قالب مکانی‌شدگی زمانی دوردست، مفهوم‌سازی شده است و با توجه به اینکه این استعاره در ساختار شرط غیرممکن و به‌وسیله حرف «لو» ارائه شده است، نشان‌دهنده عمق انزجار بدکاران از عمل خویش و نهایت آرزویشان مبنی بر جدایی میان خود و عملکردشان است.

۲-۳. زمان جسم است: جسم‌شدگی<sup>۱۸</sup>، یکی از اصول معنی‌شناسی شناختی است. درواقع فعل شناخت، از طبیعت اجسام تأثیر می‌گیرد و این جسم‌شدگی به‌وسیله زبان تعبیر و بیان می‌شود (بن‌دحمان، ۲۰۱۵م، ص ۵۸).

رنگ نیز از ویژگی‌های جسم به‌شمار می‌آید و صاحب‌نظران بر این باورند که درک مفاهیم مبتنی بر رنگ، جدا از فهم مساحت نیست. درواقع، ماده دارای اطلاعاتی راجع به مساحت بوده و گسست در ماده

نمی‌شود: (واللیل إذا سَجِي) (ضحی: ۲). نگاشت استعاره آیه عبارت است از زمان پوشش است. فعل سَجِي به معنی پوشاندن است (ازهری، ۱۴۲۱ق، ج ۱۱، ص ۹۷). پرواضح است که وقتی جسمی گسترده باشد، همه فضای زیرین خود را در بر می‌گیرد؛ بنابراین در آیه یادشده، لیل به مثابه پرده‌ای مفهوم‌سازی شده است که دنیا را در بر می‌گیرد و می‌پوشاند و چنین درک می‌شود که هیچ موجودی توانایی خروج از چارچوب زمان را ندارد.

استعاره دیگری که درباره جسمانیت زمان به کار رفته، عبارت است از زمان مانع است: (إِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ كَانَ مِيقَاتًا) (نبأ: ۱۷). در این مثال، مفهوم زمان به شکل مانع فیزیکی مفهوم‌سازی استعاره‌ای شده است. همان‌طور که می‌دانیم روز قیامت زمان برافتادن پرده‌ها و آشکارشدن حقیقت اعمال و نیات است و هدف از مفهوم‌سازی استعاره یادشده آن است که مراتب و درجات انسان‌ها برجسته شود. بنابر آنچه بیان شد آنگونه که یک مانع سبب جدایی افراد و اجزا در یک فضا می‌شود، روز قیامت جداکننده افراد است.

۳-۳. زمان ثروت است: از دیگر استعاره‌های مفهومی درباره زمان، استعاره زمان سرمایه / ثروت است، است (لایکوف و جونسون، ۲۰۱۶م، ص ۲۳۱). با مطالعات صورت‌گرفته مشخص شد در قرآن، اسم زمان عمر، برابر ثروت در نظر گرفته شده و بدیهی است به دو ویژگی ارزشمندی و کمیت در این استعاره تأکید شده است: (وَمِنْكُمْ مَنْ يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْذَلِ الْعُمُرِ) (حج: ۵).

در مثال بالا، استعاره مفهومی عمر سرمایه است، موجود است؛ سرمایه‌ای که با بهره‌گیری در طول زمان از ارزش آن کاسته می‌شود. به همین دلیل، دوره

حاکمی از تغییرات در مساحت است. در عین حال رنگ‌ها نیز با ماده پیوند داشته‌اند و اطلاعاتی را مانند تغییر مساحت یا عمق در اختیار مخاطب قرار می‌دهند (جحفه، ۲۰۰۰م، ص ۵۴).

نکته درخور توجه آنکه رنگ با جنبه ناخودآگاه ذهن بشر نیز پیوند دارد؛ به همین دلیل، هیچ‌گاه به صورت مستقل نگاشت استعاره‌ای نمی‌شود (جاکندوف، ۲۰۱۰م، ص ۹۵).

در قرآن نیز این ویژگی با جسم‌شدگی زمان همراه است: (اغْشَيْتَ وُجُوهُهُمْ قِطْعًا مِنَ اللَّيْلِ مُظْلِمًا) (یونس: ۲۷).

استعاره آیه بالا عبارت است از شب جسمی تکه‌تکه است. در نگاشت استعاره آیه، زمان شب در قالب تکه‌های سیاه‌رنگ یک جسم مفهوم‌سازی شده است. نکته آنکه در این فرآیند از واژه «قِطْعًا» استفاده شده است تا از این رهگذر عمق حزن و اندوه سیمای گناهکاران در قیامت برجسته شود.

گاهی نیز زمان، جسمی ثابت در نظر گرفته شده است: (وَلَكِنَّ أٰخِرُنَا عَنْهُمْ الْعَذَابِ إِلَىٰ أُمَّةٍ مَّعْدُوْدَةٍ) (هود: ۸). موضوع آیه درباره عذاب الهی بوده و بیان‌کننده آن است که عذاب گناهکاران تا روزی محدود به تأخیر انداخته شده است. توضیح آنکه کلمه معدود برای کمیت قابل‌سنجش و اندازه‌گیری به شمار می‌رود. بدیهی است هرچه شمارش و حساب شود، محدود و محصور است.

کاربست این واژه به‌عنوان صفت کلمه «أُمَّة» نشان‌دهنده معین و مشخص بودن آن روز است تا به این وسیله وجود روز قیامت برای منکران امری حتمی معرفی شود.

زمان دارای چارچوبی است که در هم شکسته

شایان ذکر است در بازنمایی حرکت زمان، مسئله توالی و استمرار نیز مطرح است: (يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي) (اعراف: ۱۸۷).

موضوع آیه بالا درباره زمان دقیق وقوع قیامت است. این زمان در قالب کشتی سرگردان تصویرسازی شده است. همچنین ساخت واژه کلمه «مُرسی» می‌تواند اسم زمان، مکان یا مصدر باشد (جوهری، ۱۳۷۶ق، ج ۴، ص ۱۷۰۹).

به سبب اینکه زمان، در مثال یادشده کشتی است، واژه مُرسی نیز اسم مکان در نظر گرفته می‌شود. نامعلوم بودن وقوع آن روز در قالب کشتی سرگردانی مفهوم‌سازی شده است که موعد قرارگرفتنش در لنگرگاه بر مردم پوشیده است.

در قرآن، آفرینش شب و روز و تکرار آنها موضوعی است که با حرکت مفهوم‌سازی شده است: (لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ) (یاسین: ۴۰).

در این آیه، کلمه سابق نشان‌دهنده وجود سرعت برای پیمودن مسافتی زیاد است؛ بنابراین، مفهوم زمان در قالب اجسامی متحرک، مفهوم‌سازی شده است؛ البته در این مثال، با کاربست حرف «لا» حرکت خطی نسبت به اسماء زمان نفی شده و با استفاده از عبارت «کل فی فلک یسبحون»، بر مستقل بودن مدار حرکتی شب و روز تأکید شده است؛ از این رو هر یک از زمان شب و روز هیچ‌گاه با یکدیگر تلاقی نخواهند یافت. افزون بر بیان مدار مستقل حرکتی، به نوع حرکت نیز در قرآن توجه شده است: (تَوَلَّجُ اللَّيْلِ فِي النَّهَارِ وَتَوَلَّجُ النَّهَارِ فِي اللَّيْلِ) (آل عمران: ۲۷).

از ویژگی‌های فعل «ایلاج» می‌توان به «حرکت،

جوانی که انسان توانایی اندیشیدن و کارکردن دارد، ارزشمند و دوره پیری که همراه ناتوانی است، بی‌ارزش تلقی شده و به همین دلیل واژه اردل به معنی پست و ناچیز بر این دوره نگاشت شده است.

در سوره فاطر نیز کمیت عمر مد نظر بوده است: (وَمَا يُعَمَّرُ مِنْ مُعَمَّرٍ وَلَا يُنْقَصُ مِنْ عُمُرِهِ إِلَّا فِي كِتَابٍ) (فاطر: ۱۱).

بر اساس این مثال، هرکس به هر میزان عمر کند، مقدار آن در لوحی معین ثبت شده است. با کاربست کلمه «ینقص» برای عمر کمیتی در نظر گرفته شده است. به همین دلیل، عمر و به‌ویژه سال‌های جوانی سرمایه‌ای است که در صورت استفاده‌شدن، در طول زمان کاهش می‌یابد و این جریان بر روند پیری نگاشت شده است.

#### ۳-۴. زمان دارای حرکت است: حرکت از

ویژگی‌های مهم حیات و زندگی است. این مقوله مبنای آفرینش همه کائنات و موجودات است. از نظر علمی ثابت شده است ماده همراه و ملازم همیشگی حرکت بوده است و چنانچه ماده حرکت نداشته باشد، تغییر و تحول نیز از میان خواهد رفت (حسام‌الدین، ۲۰۰۲م، ص ۳۰).

در قرآن کریم، این ویژگی با توجه به نحوه و چگونگی فهم و ادراک در چارچوب ذهن بشر بر اسم زمان نگاشت شده است. توضیح آنکه «انسان به صورت خودآگاه هستی را در سه بعد مکانی تفسیر و درک می‌کند؛ اما میدان اندیشه و ذهن او در چارچوبی بزرگ‌تر گسترده است که دارای چهار بعد است. بُعد چهارم زمان نام دارد» (عبدالملک، ۱۹۷۲م، ص ۱۷۰). به همین دلیل، متحرک بودن آن بر کیفیت درک بشر تأثیرگذار است.

و نظم آن را که حکایت از آفریننده‌ای دانا و توانا دارد، در ذهن برجسته می‌سازد.

نکته دیگر آنکه این جابه‌جایی میان شب و روز به صورت متوالی ادامه دارد و همچنین نظم و ثبات در تغییرات فیزیکی، مفاهیم دیگری است که از واژه یکور درک می‌شوند.

عنصر توالی حرکت در استعاره‌های اسماء زمان، مفهوم میزان را تداعی می‌کند: (وَتَلَكِ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا) (آل‌عمران: ۱۴۰).

آیه یاد شده بعد از پایان جنگ احد بر پیامبر (ص) نازل شد که در آن مسلمانان بسیاری شهید یا مجروح شده بودند.

نگاشت استعاری آن عبارت است از تکرار وقایع و حوادث تاریخی میزانی است که براساس سنت تقدیر میان آحاد مردم به گردش در می‌آید. در واقع فعل «نداول» نشان‌دهنده تداوم و تکرار است. گو اینکه تجربیات تلخ یا شیرین تاریخ که با نام «ایام» از آن یاد شده است، همواره میان مردم در گردش است تا سنجه‌ای برای تعیین میزان و کیفیت ایمان و توکل مردم باشد. بنابر آنچه گفته شد نگاشت‌های استعاری یاد شده در ارتباط با محور پیدایی شب و روز و تکرار حوادث، نشان‌دهنده زمان اجتماعی‌اند.

۳-۵. زمان جاندار است: در نگاه شناختگراییان،

جاندارانگاری با برجسته‌سازی ویژگی‌ها و فعالیت‌های بشری فرصت درک تجربیات متنوع را در حوزه‌های غیربشری فراهم می‌سازد (کرتوس، ۲۰۱۱، ص ۵۳).

(وَلَكِنَّا أَنشَأْنَا قُرُونًا فَتَطَاوَلَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ) (القصص:

۴۵)؛ در این آیه مبارکه، شاهد کاربست استعاره زمان موجوی سرکش است، است. در این مفهوم‌سازی، طغیان و سرکشی که از ویژگی‌های رفتار انسانی است،

جابه‌جایی و بازگشت به موضعی معین اشاره کرد) (محمدداود، ۲۰۰۲، ص ۱۶۹). در این صورت، زمان (شب / روز) حرکت می‌کند و جابه‌جا می‌شود و سپس به جایگاه اولیه باز می‌گردد. در واقع حرکت دایره‌ای شکل بر پدیدآیی پی در پی شب و روز دلالت می‌کند و به سبب اینکه در مدار دایره نقطه ایستایی وجود ندارد، این حرکت به صورت مرتب تا بی‌نهایت ادامه خواهد داشت.

درخور توجه است اسم زمان، در تعبیر قرآن، افزون بر حرکت مداوم و مستمر دارای صفت پوشانندگی نیز است: (يَكْوَرُ اللَّيْلُ عَلَى النَّهَارِ وَيَكْوَرُ النَّهَارُ عَلَى اللَّيْلِ) (زمر: ۵).

کلمه تکویر به معنی پوشش همراه پیچش است و با ستر در کیفیت پوشش متفاوت است. اهل زبان تکویر را «پیچیدن معنی کرده‌اند که البته در این فعل استداره و مدوربودن نیز قید شده است» (قرشی، ۱۳۷۱ش، ج ۶، ص ۱۶۸).

در این آیه دو استعاره به کار رفته است؛ نخست زمان شیء متحرک است و دوم، زمان سطح است، شیء بر سطح قرار می‌گیرد و بر آن می‌پیچد. بدیهی است کاربست واژه «علی» ناظر بر مفاهیم «بالا» و «فوق» بوده و نشان می‌دهد هر یک از بخش‌های زمان (شب / روز) بر دیگری قرار می‌گیرد و بر آن می‌پیچد.

بنابراین، شب پرده یا دستاری است که بر روز قرار می‌گیرد، به دور آن می‌پیچد و نور آن را می‌پوشاند. در این نگاشت استعاری، خصوصیاتی برای زمان در نظر گرفته شده‌اند؛ مانند حجم‌داشتن؛ چون آنها یکدیگر را در بر می‌گیرند و نیز سرعت که تداعی‌کننده یک جسم متحرک است. درخور توجه است قرآن کریم، اینگونه در عصر نزول حرکت وضعی زمین را توصیف می‌کند

بر طولانی شدن مدت زمان عمر نگاشت شده است. همان‌طور که زیردستان نسبت به انسان ظالم ناتوان‌اند، گذر زمان نیز بر انسان تأثیر می‌گذارد و او را ناتوان می‌سازد. به همین دلیل در ادامه آیه تصریح می‌شود بشر در دوران پیری، به مرحله آغازین خلقتش بازگشته که موجودی عاری از اندیشه بوده است و توان مقابله با درماندگی را ندارد.

افزون بر برجسته‌سازی استعاری مفهوم ناتوانی، می‌توان مشاهده کرد روند زندگی دنیوی انسان، نه روی یک خط مستقیم که بر مداری دایره‌ای شکل جریان دارد؛ یعنی انسان از ناتوانی به توانایی و سپس ناتوانی باز می‌گردد.

در سوره عنکبوت نیز یکی دیگر از استعاره‌های مبتنی بر جاندارانگاری وجود دارد: (مَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ اللَّهِ فَإِنْ أَجَلَ اللَّهُ لَكَ لَاتٍ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ) (عنکبوت: ۵).

بافت متنی نشان می‌دهد موضوع آیه یادشده درباره مؤمنانی است که آرزوی دیدار حق را دارند.

اهل زبان واژه رجا را آرزوی همراه با توقع تعریف کرده‌اند (ازهری، ۱۴۲۱ق، ج ۱۱، ص ۱۲۴)؛ بنابراین این تعریف، مؤمنان هر لحظه در انتظار وصل به حضرت حق‌اند. در قرآن برای پاسخ‌گویی به این شوق فراوان، واژه «لَات» به صورت استعاره مبتنی بر جاندارانگاری نسبت به اسم زمان به کار رفته است تا از این رهگذر بر قطعی بودن وعده دیدار حق و حضور در محضرش تأکید شود. بدیهی است کاربست چنین ترکیب استعاری، در یک سطح نشان‌دهنده خشنودی حضرت حق بوده و در لایه‌ای عمیق‌تر عامل تشویق و امیدواری مؤمنان نسبت به ادامه راه و تعیین سرنوشتشان است.

جاندارانگاری زمان نسبت به احوال اهل جهنم نیز استفاده شده است: (وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُبْلِسُ الْمُجْرِمُونَ) (الروم: ۱۲).

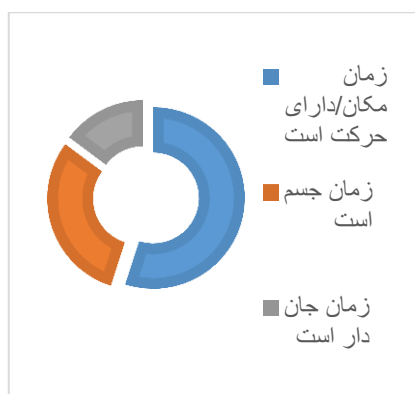
در آیه یادشده رخداد روز قیامت در قالب فعل «تقوم» مفهوم‌سازی شده است. در فرهنگ واژه‌ها این فعل را مخالف «نشستن» معنا کرده‌اند (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۴۳۱). مفهوم اصلی در این فعل، حرکت و پویایی بعد از سکون و قرار است. به سخنی دیگر، از وقوع حتمی این روز و پس از دیرزمانی بی‌اطلاعی مردم، با تعبیر برخاستن، خبر داده شده است. همچنین با توجه به بافت متنی آیه و کاربست واژه «یبلس» در ارتباط با مجرمان، می‌توان مفاهیم هول و وحشت را در نتیجه این حرکت آنی درک کرد. لازم به توضیح است در تعریف واژه یبلس میان مفسران اختلاف نظر وجود دارد. برخی آن را ناامیدی مجرمان از هدایت تعریف کرده‌اند، برخی رسوایی و عده‌ای اندوه و افسردگی دانسته‌اند (ابن‌کنیر، ۲۰۰۲م، ج ۶، ص ۳۰۶).

به هر حال، با در نظر گرفتن هر کدام از این معانی، با برپایی ناگهانی روز قیامت، حالی از اضطراب و ترس، گسترده و فراگیر می‌شود.

در قرآن کریم دوگانگی شب و روز به وسیله جاندارانگاری به صورتی زیبا و ماندگار مفهوم‌سازی شده است: (واللیل إذا أدبر) (مدثر: ۳۳)، (والصبح إذا تنفس) (تکویر: ۱۸).

آنگاه که قصد شده است مفهوم پایان زمان شب بیان شود از فعل ادبر به صورت استعاری بهره‌برداری شده است. این فعل مفاهیم رفتن، رهاساختن و بازنگشتن را دارا است؛ بنابراین شب موجودی رونده است، بی‌آنکه به آنچه در پشت سرش وجود دارد،

با بررسی‌های صورت گرفته مشخص شد استعاره‌های مفهومی مبتنی بر مکان و حرکت با ۵۵٪، استعاره‌های مبتنی بر جسم، با ۳۰٪ و جاندارانگاری زمان با ۱۵٪، کلان‌الگوهای استعاری را در قرآن کریم ساخته‌اند. بسامد استعارات در نمودار، مشاهده می‌شود. همان‌گونه که پیش‌تر بیان شد بشر هستی را براساس مکان و حرکت درک می‌کند و به همین دلیل این دو حوزه مبدأ بیشترین بسامد استعاره‌های مفهومی اسماء زمان را به خود اختصاص داده‌اند.



#### ۴. نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر مشخص شد کلان‌استعاره‌های به‌کاررفته در حوزه مفهومی زمان به پنج بخش تقسیم شده‌اند. در کلان‌استعاره مبتنی بر مکان، زمان در قالب فضا مفهوم‌سازی شده است و ویژگی‌های مکان، مانند سطح، عمق، دوری و نزدیکی بر زمان نگاشت شده‌اند. در کلان‌استعاره مبتنی بر جسم، مفهوم زمان به‌صورت پرده، کشتی، مانع و رنگ برجسته‌سازی شده است.

و در استعاره زمان سرمایه است، حوزه مبدأ سرمایه و ثروت در ارتباط با زمان به‌کار رفته است. در قرآن، کلان‌الگوی استعاری مبتنی بر زمان متحرک، کاربرد فراوان دارد؛ زیرا بشر در ذهن خویش،

توجهی داشته باشد. در عین حال جاندارانگاری زمان روز با کاربست فعل «تنفس» صورت گرفته است. همان‌طور که می‌دانیم، دم‌زدن اساس حیات موجودات زنده را شکل می‌دهد؛ به همین دلیل شروع روز که مقارن با آغاز تلاش و کوشش در عالم جانداران است به‌مثابه نفس‌کشیدن در نظر گرفته شده است تا اهمیت ارزشمندی زمان و غنیمت‌شمردن آن در جهت بهره‌وری حداکثری برجسته شود.

در سوره نحل نیز کنش غیرارادی پلک‌زدن در ساختار استعاره مفهومی به کار رفته است: (وما أمر الساعة إلا كلمح البصر أو هو أقرب) (نحل: ۷۷).

در میان کنش‌های طبیعی بدن موجود زنده، پلک‌زدن، در کمترین زمان روی می‌دهد؛ از این رو برای آنکه سرعت برپایی قیامت برجسته شود، این کنش طبیعی بر زمان مدنظر نگاشت شده است؛ البته درخور توجه است در این مفهوم‌سازی از حرف تشبیه «کاف» استفاده شده است. می‌دانیم که در صورت کاربست ادات تشبیه، همیشه میان طرفین تشبیه فاصله ایجاد می‌شود؛ بنابراین، در این آیه به مخاطب تأکید شده که کاربست حوزه مبدأ تنها برای تقریب به ذهن صورت گرفته است و رویداد قیامت می‌تواند بسیار زودتر رخ دهد. مؤید این مدعا عبارت «أو هو أقرب» است.

(وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا) (غافر: ۶۱). در این مثال نیز کاربست حوزه مبدأ چشم در ارتباط با اسم زمان وجود دارد. چشم با مفهوم آگاهی پیوندی استوار دارد و نخستین دریچه‌ای محسوب می‌شود که انسان به‌وسیله آن به شناخت دنیا و ارتباط با جهان بیرون قادر است. همچنین، نور که ویژگی بارز زمان روز است با مفهوم هدایتگری ارتباط دارد. به همین دلیل روز پیش‌دهنده و هدایتگر معرفی شده است.

زمان را با مفهوم مکان و ویژگی حرکت مفهوم‌سازی می‌کند. گفتنی است در این فرایند، حرکات خطی و دایره‌ای باز نمود شده‌اند. بدیهی است در حرکت خطی، آغاز و پایان مد نظر بوده و حرکت مدور نشان‌دهنده توالی بی‌پایان شب و روز از پی یکدیگر است. همچنین در این حرکت پدیده تکرار وجود دارد که از آن در جهت تأکید بر مفهوم تکرار حوادث و وقایع تاریخی بهره‌برداری استعاری شده است تا از این رهگذر بشر به عبرت‌آموزی تشویق شود.

در واپسین بخش نیز، ویژگی‌های جانداران یا خلقیات انسان، حوزه مبدأ بر زمان نگاشت شده‌اند که عبارت‌اند از: تشبیه فراگیری زمان پیری و چیرگی آن به سرکشی موجود زنده، قطعی بودن وصال حق در زمان آینده و وقوع ناگهانی قیامت و سرعت آن در قالب کنش‌های آمدن، برخاستن و پلک‌زدن. همچنین، افعال رفتن و دم‌زدن نیز بر حوزه مفهومی پایان شب و آغاز روز نگاشت شده‌اند.

با تعمق در استعاره‌های مفهومی اسامی زمان در می‌یابیم همه جنبه‌های مرتبط با جسم، ذهن و محیط زندگی بشر، در آنها لحاظ شده و این امر سبب یکپارچگی آن‌ها شده است. همچنین، این جامعیت در ساختار، نشان‌دهنده اهمیت زمان در بیان قرآن است. در این روند، بخشی از استعاره‌ها که مرتبط با رخدادهای هستی‌اند، زمان بیرونی را برجسته می‌سازند؛ مانند تعیین اوقات نماز و شرح وقایع تاریخی و بخش دیگر با برجسته‌سازی مفاهیمی چون ارزشمند بودن، کمیت‌داشتن و توالی حرکت، نشان‌دهنده دیدگاه فلسفی نسبت به مقوله زمان‌اند و دسته دیگر که بخش چشمگیری از میزان شاهد مثال‌ها را به خود اختصاص داده است با احساس درونی بشر

پیوند دارد. موضوع این استعاره‌ها نه رخدادهای معمول که قیامت و برپایی آن است. در واقع این استعاره‌ها درباره واقعه‌ای محتوم و نامعلوم‌اند، به همین دلیل آکنده از احساسات رغبت، ترس و انزجارند. اینکه هر سه دیدگاه درباره زمان در استعاره‌های شناختی شایان توجه قرار گرفته، نشان‌دهنده محورهای معنایی هدفمند بودن خلقت، نظم‌داشتن هستی و ارزشمند بودن آن است.

#### کتابنامه

##### القرآن الکریم

- ابن منظور، محمد بن مكرم. (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. بیروت: دارصادر.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر. (۲۰۰۲م). *تفسیر القرآن العظیم*. مکه: دارطیبه.
- أزهري، محمد بن أحمد. (۱۴۲۱ق). *تهذيب اللغة*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- بن دحمان، عمر. (۲۰۱۵م). *نظریة الاستعارة التصوریة والخطاب الأدبی*. قاهره: رؤیه.
- البوعمرانی، محمد صالح. (۲۰۰۹م). *دراسات نظریة وتطبیقیة فی علم الدلالة العرفانی*. تونس: صفاقس.
- الترکی، ابراهیم منصور. (۲۰۱۱م). *توظیف أدوات البلاغة فی النص المعاصر*. النادی الأدبی.
- جاکندوف، رای. (۲۰۱۰م). *علم الدلالة والعرفانیة*. ترجمه: عبدالرزاق بنور. تونس: دار سیناترا.
- جحفه، عبدالمجید. (۲۰۰۰م). *مدخل إلى الدلالة الحدیثة*. المغرب: دار توبقال للنشر.
- جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۳۷۶ق). *الصحاح*. تحقیق: احمد عبدالغفور عطار. بیروت: دارالعلم.

لايكوف، جورج. و جونسون، مارک. (۱۹۹۶م).  
الاستعارات التي نحيا بها. ترجمه عبدالمجيد جحفه.  
المغرب: دارتوبقال للنشر.  
\_\_\_\_\_ . (۲۰۱۶م). *الفلسفة في الجسد*.  
ترجمه و تقديم: عبدالمجيد جحفه. بيروت: دارالكتاب  
الجديد المتحدہ.  
محمد داود، محمد. (۲۰۰۲م). *الدلالة والحركة*.  
قاهره: دارغريب.  
مصباح يزدی، محمدتقی. (۱۳۹۰ش). *آموزش  
فلسفه*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.  
موسوی کریمی. سیدمسعود. (۱۳۷۹ش). *زمان  
چیست؟ نشریه نامه مفید*، ۶ (۲۳)، ۲۹-۱۰.  
ولسون، کولن. (۱۹۹۲م). *فکره الزمان عبر التاريخ*.  
ترجمه فؤاد کامل. عالم المعرفة.  
هاشمی، زهره. (۱۳۸۹ش). *نظریه استعاره مفهومی  
از دیدگاه لیکاف و جانسون*. ادب پژوهی، ۸ (۳۰)،  
۱۴۰-۱۱۹.

## Bibliography

The Holy Qur'an

Al-Amiry, A. (2016). Metaphorical concept in Arabic Language, *Linguistics Of Arabic Journal*, 2(3), 27- 152

Al-Bu'omrani, M.S. (2009). *Investigation of Semantic*. Tunis: Safaghis

Al-Kordy, R. (1992). *The Cognitive Theory In Qur'an and Philosophy*. Al-Riaz: Al-Mo'ayed

Al-Turkey, I.M. (2011). *Employment of Thetoric Devices in Contemporary Text*. Al- Nada Al -Adabi.

Atiyah, S.(2014). *Qur'aanic Metaphors and Cognitive Theory*. Academia Al-Hadith

Azhari, A. (1421AH/2000). *Tahzib al-luqah*. Beirut: Dar al- ihya al-Turath al-'Arabi

Bin dahman, O.(2015). *The theory of*

حسام‌الدین، کریم‌زکی. (۲۰۰۲م). *الزمان اللغالی*.  
القاهره: دارغريب للطباعة والنشر

زیبیدی، محمدبن محمد. ( ۱۴۱۴ق). *تاج العروس*.  
بیروت: دارالفکر.

سلیمان احمد، عطیه. (۲۰۱۴م). *الاستعاره القرآنیة  
فی ضوء النظرية العرفانیة*. قاهره: الأكادیمیة الحدیثه  
للكتاب الجامعی.

شاهین، سمیرالحاج. (۱۹۸۰م). *لحظه الأبدیة،  
دراسة الزمان فی أدب القرن العشرين*. بیروت:  
المؤسسه العربیة للدراسات والنشر.

العامری، عبدالعلی. (۲۰۱۶م). *التصور الاستعاری  
لبنیة المسار فی اللغة العربیة. اللسانیات العربیة*، ۲ (۳)،  
۱۵۲-۱۲۷.

عبدالملک، جمال. (۱۹۷۲م). *مسائل فی الإبداع  
والتصور*. بیروت: دارالتألیف والنشر.

غالیم، محمد. (۲۰۰۷م). *النظرية اللسانیة والدلالة  
العربیة المقارنه*. المغرب: دارتوبقال للنشر.

قرشی، علی اکبر. (۱۳۷۱ش). *قاموس قرآن*. تهران:  
دارالکتب الإسلامیة.

قرطبی، ابو عبدالله محمدبن احمد. (۱۳۶۴ش).  
*الجامع لأحكام القرآن*. تهران: ناصرخسرو.

کرتوس، جمیله. (۲۰۱۱م). *الاستعاره فی ظل  
النظرية التفاعلیة*. رساله الدكتوراه. الجزائر: جامعه مولود  
معمری.

الکردی، راجح عبدالحمید. (۱۹۹۲م). *نظریه  
المعرفه بین القرآن والفلسفه*. الرياض: المؤید.

کوشش، زولتان. (۱۳۹۶ش). *استعاره (مقدمه‌ای  
کاربردی)*. مترجم: جهانشاه میرزاییگی. تهران: آگاه.



- Kövecses, Z. (1396SH/2017). *Metaphor: A Practical Introduction*. Translation: Jahanshah Mirzabeygi. Tehran: Agah
- Lakoff, G. & Jonson, M. (1996). *Metaphors we live by*. Translation: Abdolmajid Jahjah.
- & ———. (2016). *Philosophy in Flesh: the embodied mind and its challenge to Western thought*. Translation: Abdolmajid Jahjah. Beirut: Dar al-kuttab
- Misbah Yazdi, M.T. (1390SH/2011). *Tuition of Philosophy*. Qum: I.C.I.S
- Mohammad Dawood, M. (2002). *Signification and Motion*. Cairo: Dar al-gharib
- Musavi Karimi, S.M.(1379SH/2000). *What is Time?*. Nameh Mofid Journal. 6(23), 10-29
- Qurtubi, M. (1364SH/1985). *Al- jamii li Ahkam al- Qur'an*. Tehran
- Shahin, Samir, H.(1980). *The Endlessness Time*. Beirut: Al- Muoassisah al-dirasat va al-Nashr
- Velson, K. (1992). *Concept of Time Over History*. Translation: Fo'ad Kamil. Beirut: Alam al- marifah
- Zobeidy, M. (1414AH/1993). *Taj al- Aruos*. Beirut: Dar al- fikr
- metaphor and Literary Discourse. Cairo: Al- Roaya
- Ghalim, M. (2007). *The Linguistics theory and Comparative Semantics of Arabic Language*. Al-Maghrif: Dar al-tuobGhal
- Gharashi, A.A. (1371SH/1992). *Qamus Qur'an*, Tehran: Dar al-kutob al- islami
- Gohary, H. (1376AH/1956). *Al sihhah, examination: Ahmad Attar*, Beirut: Dar al-ilm
- Hashemi, Z. (1389SH/2010). *The Metaphor Cognitive Theory in View of Lakoff & Jonson*. Adab Pazhuhi, 8(30), 119- 140
- Hisam al- din, K.Z. (2002). *The sementic time*. Cairo: Dar al-gharib
- Ibn kasir, O.(2002). *Tafsir al-Qur'an 'al- azim*. Dar al- taiebah
- Ibn manzur, M. (1414AH/1993). *Lisan al- arab*, Beirut: Dar al- sadir
- Jahfah, A. M.(2000). *Introdution to modern sementic*. Maghrif: Dar al- tuobghal
- Jamaal, A. (1972). *The Problems in Invention and Concept*. Beirut: Dar al- talif
- Jukendoff, R.(2010). *Semantics and Cognitive Science*. Translation: Abdol Razagh Banoor. Tunis: Dar al- sinatra
- Kartus, J. (2011). *Metaphor in Pragmatic Theory*. (PhD Thesis). Al-Jazirah: Moulud University

<sup>1</sup> Cognitive Linguistic

<sup>2</sup> Gestalt

<sup>3</sup> Metaphor

<sup>4</sup> Categorisation

<sup>5</sup> Conceptual Metaphor

<sup>6</sup> George Lakoff

<sup>7</sup> Mark Johnson

<sup>8</sup> Source

<sup>9</sup> Target

<sup>10</sup> Mapping

<sup>11</sup> Ontological Metaphors

<sup>12</sup> Structural Metaphors

<sup>13</sup> Directional Metaphors

<sup>14</sup> Megametaphor

<sup>15</sup> Micrometaphor

<sup>16</sup> Aristotle

<sup>17</sup> Immanuel Kant

<sup>18</sup> Embodiment